

- ناصر پورحسن، تحلیل محتوای قطعنامه ۱۷۰۱، بولتن رویداد و گزارش اسرائیل، شماره ۳۰۹، مورخ ۱۳۸۵/۶/۱۴، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی - علمی ندا.
۳۸- متن کامل این قطعنامه در همین فصلنامه درج شده است.

39- <http://www.Mondediplo.com/2009/02/02/gazawar>.

40- <http://www.zope.gush-Shalom.org/home/en/channels/123/625457>.

۴۱- آندروماک، چرا کشورهای بزرگ در جنگهای کوچک شکست می‌خورند: سیاست منازعات نامتقارن، ترجمه محمد تمنایی، در مجموعه مقالات: منازعات نامتقارن، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۷، ص ۴۱.



تجربه حماس و دولت دهم فلسطین

اداره امنیت داخلی^۱

نویسنده: احمد الحیله^۲

مترجم: فتانه غلامی^۳

چکیده

جنبش حماس پس از پیروزی قاطع در انتخابات پارلمانی ژانویه ۲۰۰۶، دولت تشکیل داد. این دولت با مشکلات متعددی مواجه شد که یکی از آنها، ایجاد هرج و مرج در کرانه باختری و نوارغزه بود. این مشکلات که با حمایت آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی و توسط نیروهای وابسته به تشکیلات خودگردان به وجود آمد، بخش زیادی از توان دولت حماس را به خود اختصاص داد. نویسنده در این مقاله عملکرد دولت حماس را نسبت به این معضل مهم ارزیابی می کند و با ذکر مصادیق و اسناد، عوامل، ریشه ها و پیامدهای ناامنی در امنیت داخلی فلسطین را بررسی می کند. این نوشتار قبل از تهاجم گسترده رژیم صهیونیستی به نوارغزه نوشته شده و دوره زمانی آن نیز از آغاز تشکیل دولت توسط حماس تا سرنگونی دولت قانونی اسماعیل هنیه توسط محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان است.

واژگان کلیدی: امنیت داخلی، دولت حماس، سرویس های امنیتی، تشکیلات خودگردان، توافقنامه مکه

۱- این مقاله ترجمه صفحات ۲۵۹-۲۴۱ کتاب زیر است:

محسن محمدصالح، قراءات نقدیه فی تجربه حماس و حکومتها، ۲۰۰۷-۲۰۰۶، بیروت: مرکز الزيتونه للدراسات و الاستشارات، ۲۰۰۷

۲- نویسنده فلسطینی مقیم دمشق

۳- مترجم و کارشناس مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی- علمی ندا

مقدمه

جنبش مقاومت اسلامی حماس با تشکیل دهمین دولت در اراضی فلسطین، برای اولین بار در تاریخ خود وارد عرصه سیاسی شد. گفتنی است که این شرایط پس از پیروزی در انتخابات شورای قانونگذاری ۲۰۰۶ فراهم گشت. حماس توانست ۷۴ کرسی از ۱۳۲ کرسی را به خود اختصاص دهد.

این امر تحولی عظیم در تاریخ فلسطین به شمار می‌آید و از این طریق مقاومت اسلامی که مخالف توافقنامه اوسلو و مفاد آن است، توانست بر دولت‌های پیشین و حامی اوسلو پیروز شود. پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری باعث واکنش‌ها و پیامدهای بسیار زیادی در فلسطین و خارج از آن شد. این پیروزی عظیم یک انقلاب دموکراتیک علیه تمام نیروها و قدرت‌هایی بود که طی سالیان دراز از کشورهای بیگانه تبعیت می‌کردند و مورد حمایت غرب، آمریکا و کشورهای عربی بودند. لذا کلیه طرف‌هایی که از این رویداد تاریخی متضرر شده بودند، تلاش خود را بر اجرای برنامه‌های سیاسی اوسلو در عرصه فلسطینی بکار گرفتند و یکی از دو راه زیر را فراروی خود دیدند.

۱- تلاش برای متقاعد کردن حماس (از راه تفاهم یا اعمال زور) نسبت به تغییر موضع‌گیری‌های سیاسی و عمل به شروط کمیته چهارجانبه بین‌المللی (آمریکا، سازمان ملل، روسیه و اتحادیه اروپا) که خواستار به رسمیت شناختن اسرائیل و اجرای بی‌چون و چرای کلیه توافقنامه‌های امضا شده قبلی و جلوگیری از خشونت، یعنی کنار گذاشتن مقاومت اسلامی بود.

۲- تلاش برای تخریب وجهه حماس و تضعیف آن از طریق بوجود آوردن بحران‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و....

این اقدامات باعث تنگ‌تر شدن عرصه به روی حماس شد که در سیاست تجربه چندان زیادی نداشت، لذا با توده‌ای از بحران‌هایی مواجه شد که از دولت‌های پیشین بر جای مانده بود و همچنین برخی از بحران‌هایی که عملاً در عرصه فلسطین بوجود آمده بود. در همان روزهای آغاز بدست گرفتن قدرت، دولت و وزرای حماس در انزوای سیاسی قرار گرفتند و با محاصره اقتصادی و بروز هرج و مرج امنیتی در داخل روبرو شدند. این در حالی است که عملیات هجومی اسرائیل نیز به صورت روز افزون در حال افزایش بود.

ولی با وجود همه این فشارها و معضلات، حماس و دولت جدید توانستند، ایستادگی و مقاومت کنند و از ارزش‌های ملی خود صرف‌نظر نکردند. از سوی دیگر به شروط کمیته چهارجانبه نیز پاسخ مثبت ندادند و

علیرغم محدودیت‌ها توانستند، با بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی مانند سوریه، مصر، عربستان سعودی، قطر، سودان، یمن، ایران، اندونزی، مالزی، روسیه و برخی از سازمان‌های غربی و خارجی به صورت غیرمستقیم، مانند انگلیس، فرانسه، سوئیس، دانمارک و جنوب آفریقا، ارتباط برقرار کنند.

اما دولت جدید نتوانست، در از میان بردن محاصره اقتصادی که بسیاری از طرف‌های عربی و فلسطینی عامل آن بودند، نقش مهمی ایفا کند. از سوی دیگر به صورت مستقیم مانع وصول کمک‌های مالی شد که حدود ۵۰ میلیون دلار بود و در نشست ریاض در مارس ۲۰۰۷ برای کمک به ملت فلسطین اختصاص یافت.

دولت حماس در مقابل شدت و تندی محاصره و بی‌رحمی کشورهای عربی شگفت زده شد، چون هرگز انتظار نداشت که کشورهای عربی در مقابل این خشونت‌ها واکنشی از خود نشان ندهند اما در رابطه با پرونده امنیت داخلی که در اینجا قصد داریم به آن بپردازیم، بهتر است بگوییم که دارای وضعیت بسیار وخیم و نابسامانی بود. تا جاییکه حماس نیز سرانجام به دام این ناامنی‌ها و هرج و مرج‌ها که پس از اعلام نتایج انتخابات شدت گرفت، پیش از ارزیابی آینده وضعیت امنیت داخلی در کرانه باختری و نوارغزه باید طرح‌ها و عواملی که اوضاع داخلی فلسطین را بدین حد وخیم کرد، مورد بررسی قرار دهیم.

الف) پدیده هرج و مرج امنیتی و درگیری‌های داخلی

هرج و مرج امنیتی پدیده‌ای است که همواره در تمام حکومت‌ها و دولت‌های تاریخ فلسطین وجود داشته است و چنین وضعیتی ناشی از پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری نیست، ولی نمی‌توان انکار کرد که این پدیده پس از پیروزی حماس به اوج خود رسید. عرصه فلسطین طی ماه‌های نخست راه‌یابی حماس به شورای قانونگذاری، شاهد بدترین شرایط بود و سرانجام این اوضاع وخیم داخلی منجر به کشته و زخمی شدن صدها فلسطینی شد. از جمله مواردی که میزان نگرانی را بالا برده و زمینه‌ساز شعله‌ور ساختن فتنه داخلی میان فتح و حماس از یک سو و میان تشکیلات و دولت بر سر کار آمده از سوی دیگر شد، می‌توان به بحث اختیارات رئیس تشکیلات و دولت جدید اشاره کرد. از همان روزهای نخست پیروزی حماس در انتخابات، اقدامات و تصمیماتی از جانب تشکیلات اتخاذ شد و این اقدامات میزان تنش و نگرانی را به اوج خود رساند که می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- در ۲۸/۱/۲۰۰۶، یعنی یک روز پس از اعلام نتایج انتخابات، ابومازن رئیس تشکیلات خودگردان طی نشستی گفت، ۳ بخش اصلی سرویس‌های امنیتی، یعنی امنیت بازدارنده، پلیس و دفاع مدنی به ریاست تشکیلات ملحق می‌شود. لازم به ذکر است که این بخش‌ها زیر نظر وزارت کشور بود.
- ۲- در ۱۳/۲/۲۰۰۶ شورای قانونگذاری که دوره آن به اتمام رسیده بود، طی نشستی اضطراری بسیاری از مسائل و فضاها را جزء صلاحیت‌های رئیس تشکیلات خودگردان معرفی کرد. شورای مذکور اعلام کرد، محمود عباس صلاحیت تشکیل دادگاه قانون اساسی و تعیین قضات آن را دارد. لازم به ذکر است که پیش از این چنین وضعیتی حاکم نبود و برای تشکیل چنین دادگاهی به موافقت پارلمان نیاز بود. این اقدام نشان می‌دهد که طرف‌های مخالف قصد دارند، برخی از صلاحیت‌ها را از شورای قانونگذاری سلب کرده و آن را در اختیار رئیس تشکیلات قرار دهند.
- علاوه بر این، قوانین جدیدی وضع شد که پیش از این در عرصه فلسطین وجود نداشت، از جمله صدور بیانیه‌ای مبنی بر تعیین رئیس دیوان کارمندان از جانب رئیس تشکیلات خودگردان. بدین وسیله رئیس و اعضای جنبش فتح توانایی سیطره و نفوذ بر بخش کارمندان را بدست خواهند آورد. گفتنی است که پیش از این محمود عباس در سال ۲۰۰۳ مذاکرات و درگیری‌های لفظی زیادی با یاسر عرفات برای اعطای حق انتخاب رئیس دیوان کارمندان از جانب ریاست تشکیلات به هیئت دولت انجام داده، ولی بی‌نتیجه بود.
- ۳- در ۲۴/۳/۲۰۰۶ محمود عباس تصمیم به تشکیل هیئتی برای نظارت بر گذرگاه‌ها به ریاست صائب عریقات گرفت، این در حالی است که نظارت بر این بخش از جمله وظایف دولت بشمار می‌رفت.
- ۴- در ۶/۴/۲۰۰۶ محمود عباس، رشید ابوشیاب را به مدیر کلی امنیت ملی انتخاب کرد، بی‌آنکه با دولت و یا وزیر کشور مشورتی داشته باشد. این در حالی است که در قانون اساسی آمده است که پست مذکور باید توسط وزیر کشور انتخاب شود.
- ۵- در ۲۱/۴/۲۰۰۶ محمود عباس، رئیس تشکیلات بیانیه‌ی وزیر کشور را رد کرد که در ۲۰/۴/۲۰۰۶ صادر و از جانب دولت پذیرفته شده بود. این بیانیه شامل تشکیل یک نیروی اجرایی برای کمک و همکاری با پلیس برای کنترل امنیت در نوارغزه، می‌شد. علاوه بر این دستور وزیر کشور مبنی بر تعیین جمال ابوسمهدانه به عنوان ناظر کل وزارت کشور را لغو کرد، به این بهانه که دولت این صلاحیت‌ها را ندارد و این مسائل از جمله صلاحیت‌های رئیس تشکیلات است.

این در حالی است که تعیین ناظر کل در وزارت کشور از اقدامات دولت جدید محسوب نمی‌شود، بلکه این اقدام از جانب دولت پیشین اتخاذ شده و سمیر المشهراوی، زمانی که محمد دحلان وزیر امنیت داخلی در دولت محمود عباس بود، برای این پست (ناظر کل) انتخاب شده بود.

لغو دستور سعید صیام (۱) وزیر کشور، از جانب محمود عباس درخصوص تشکیل یک نیروی اجرایی باعث افزایش و شدت گرفتن هرج و مرج در عرصه فلسطین شد. گفتنی است که سعید صیام این دستور را به دلیل عدم همراهی و عدم گوش فرا دادن رهبران سرویس‌های امنیتی به دستورات و فرمایشات وی صادر کرد. پس از این درخواست، هرج و مرج امنیتی، قتل، ربودن و... در جامعه رواج یافت. آنها این اقدامات را به عنوان راهی برای تحت فشار قرار دادن دولت به منظور لغو این دستور انجام می‌دادند تا جاییکه برخی از اعضای فعال در سرویس‌های امنیتی به مقرر شورای قانونگذاری در نوارغزه و برخی از مؤسسات دولتی و غیردولتی حمله‌ور می‌شدند.

در این راستا به برخی از مسائلی که پس از لغو دستور وزیر کشور از جانب رئیس تشکیلات خودگردان شد، اشاره می‌کنیم:

- برگزاری تظاهرات توسط کارمندان وابسته به فتح؛ آنها از دولت پرداخت حقوق خود را خواستار شدند این در حالی بود که همه به خوبی می‌دانستند، بحران مالی در عرصه فلسطین به دلیل سیاست‌های اسرائیل، آمریکا و ضعف کشورهای عربی است نه چیز دیگر.

- درگیری‌های مسلحانه در ۲۰۰۶/۵/۸ میان هواداران فتح و حماس. گفتنی است، این درگیری‌ها در واکنش به عملیات ربودن افرادی از گردان‌های القسام از جانب نیروهای فتح در خان یونس صورت گرفت. خان یونس یکی از شهرهایی است که محمد دحلان در آن جایگاه خاصی دارد. طی این درگیری‌ها ۳ نفر کشته و ۱۱ نفر دیگر زخمی شدند.

- به شهادت رسیدن ۲ تن از اعضای گردان‌های قسام ظرف ۱۰ ساعت، یکی در ۲۰۰۶/۵/۱۶ در غزه و دیگری در ۲۰۰۶/۵/۱۷ در اردوگاه جباليا.

- تلاش برای ترور سرگرد طارق ابورجب، مدیر اطلاعات عمومی در تاریخ ۲۰۰۶/۵/۲۰ از طریق بمبی که در آسانسور کار گذاشته شده بود و پیش از بررسی مسئله، حماس متهم واقع گردید.

۱- وی در جریان تهاجم رژیم صهیونیستی به نوارغزه به شهادت رسید. (مترجم)

- تلاش برای ربودن یکی از اعضای جنبش حماس در روستای عبسان، (شرق خان یونس) در ۲۰۰۶/۵/۲۲، این اقدامات زمینه را برای بوجود آمدن درگیری‌های خونین میان فتح و حماس فراهم کرد، از سوی دیگر کلیه گروههایی که از پیروزی حماس ناراضی بودند، از این فرصت برای افزایش تنش استفاده کردند.

آنها از طریق شورش علیه نیروی اجرایی و دولت و همکاری با نیروهای اعمال فشارکننده سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی عرصه را بر حماس تنگتر کردند. این اقدامات همگی دست به دست هم داده و مانع از تشکیل دولت وحدت ملی شد. گفتنی است که تشکیل این دولت منوط به پذیرفتن شروط کمیته چهارجانبه از جانب حماس بود، از سوی دیگر گفتگوها و مذاکرات میان فتح و حماس در رابطه با سند وفاق ملی نیز با نوعی شکست مواجه شد.

اما پس از گذشت زمان و به توافق رسیدن فلسطینی‌ها درخصوص امضای سند وفاق ملی و تشکیل دولت وحدت ملی، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان پس از دیدار با کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا در ۲۰۰۶/۱۱/۳۰ در اربحا فلسطینی‌ها را غافلگیر کرد و گفت: گفتگوی فلسطینی به بن‌بست رسیده است. از سوی دیگر کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین از عباس درخواست کرد، تا انتخابات ریاستی و پارلمانی زودهنگام را برگزار کند که این امر نیز موجی از درگیری‌ها و مخالفت‌ها را به همراه داشت. مهمترین این درگیری‌ها به شرح زیر است:

- خروج صدها تن از اعضای سرویس‌های امنیتی و افراد مسلح به خیابان‌ها و هدف قرار دادن مقرهای رسمی، مراکز رسمی و شورای قانونگذاری.

- هدف قرار دادن سعید صیام، وزیر کشور در ۲۰۰۶/۱۲/۱۰ در غزه.

- حمله به محمد شهاب، نماینده فراکسیون اصلاح و تغییر هنگام عبور ماشین وی از جبایلیا در ۲۰۰۶/۱۲/۱۲.

- کشته شدن ۳ فرزند خردسال سرتیپ بهاء بلوشه در راه مدرسه در ۲۰۰۶/۱۲/۱۳ و متهم کردن حماس به کشتن آنها.

- هدف قرار دادن وصفی قبه، وزیر امور اسرا و آزادگان در رام‌الله در ۲۰۰۶/۱۲/۱۳.

- ترور بسام الفرا در ۲۰۰۶/۱۲/۱۳، وی یکی از هواداران حماس است که هنگام ورود به دادگاه بنی‌سهیلا در خان یونس مورد اصابت قرار گرفت.

- هدف قرار دادن اسماعیل هنیه، نخست‌وزیر دولت در ۲۰۰۶/۱۲/۱۴ هنگام عبور از گذرگاه رفح، این امر منجر به کشته شدن محافظ هنیه و مجروح شدن فرزند او و احمد یوسف مشاور هنیه شد. تمام این اقدامات و درگیری‌ها گویی خبر از وقوع کودتایی علیه دولت جدید می‌داد و باعث شد، جنبش حماس و نیروی اجرایی اقدامات لازم را برای جلوگیری از این کودتا و هرج و مرج امنیتی اتخاذ کنند. اتخاذ اقدامات و تدابیر لازم از جانب حماس باعث شد، عباس و سرویس‌های امنیتی نسبت به عدم موفقیت کودتا، ایمان کامل بیاورند و اینکه ملت فلسطین از اقدامات سرویس‌های امنیتی به تنگ آمده است، بویژه اینکه نیروهای محمود عباس در این هنگام کتابخانه دانشگاه اسلامی را به آتش کشیده و بسیاری از کلاس‌های آموزشی این دانشگاه را تخریب کردند. علاوه بر این برخی از عناصر سرویس‌های امنیتی به مسجد الهدایه در جبالبیا حمله کرده و امامان جماعت آن را بی‌دلیل به شهادت رساندند و هیچ دلیل محکمه‌پسندی برای این اقدام نداشتند.

این درگیری‌ها باعث شد که همه طرف‌ها بازنده معرفی شوند و در پایان محمود عباس به یقین رسید که با گفتگو و نه با خشونت نظامی می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. بویژه اینکه ابومازن ایمان داشت اسرائیل با وی به عنوان یک ابزار امنیتی رفتار می‌کند. پس از توافقنامه مکه اولمرت به عباس گفت که وی خیانت کرده است، محمود عباس نیز در پاسخ گفت که شما نیز به من پشت کرده و نسبت به وعده‌های خود پایبند نبوده‌اید.

این شرایط باعث شد که فتح و حماس به توافقنامه مکه رو آورند و زمینه برای مرحله جدیدی فراهم شد که در تشکیل حکومت وحدت ملی نمود پیدا می‌کرد.

ب) پس از توافقنامه مکه

ملت فلسطین نسبت به توافقنامه مکه خوش‌بین بودند در این توافقنامه بر حرمت خون فلسطینی‌ها، جلوگیری و خاتمه بخشیدن به کشتار و ایجاد اتحاد میان تمام گروه‌های مختلف فلسطینی، تأکید شده بود.



ولی این اقدامات نیز برای خاتمه بخشیدن به درگیری‌های موجود کافی نبود، چون این توافقنامه‌ها نمی‌توانند در تغییر نظر عباس و سیاست‌های در پیش گرفته از جانب وی و رهبران سرویس‌های امنیتی نقشی فعال داشته باشند. عباس و اطرافیانش به خوبی می‌دانستند که اگر بخواهند براساس توافقنامه مکه عمل کنند، هرگز نخواهند توانست بر حماس و دولت آن غلبه کنند، پس بهتر است بگوییم توافقنامه مکه یک آرام‌سازی از جانب عباس و رهبران سرویس‌های امنیتی بیش نبود.

دلایل و عوامل زیر باعث بوجود آمدن این استنباط شد:

- استمرار حمله هواداران فتح علیه حماس از طریق رسانه‌های گروهی و تحریک ملت علیه آن.
 - سهل‌انگاری عباس در تعیین وزیر کشور. این در حالی است که عباس ۸ تن از وزرایی که از جانب حماس معرفی شده بودند را رد کرد و سپس هانی القواسمی را پذیرفت. پس از آن با تصویب دو قانون که کاملاً با توافقنامه مکه مغایرت داشت ملت را غافلگیر کرد:

۱- پیشنهاد پست مدیر امنیت داخلی و تعیین رشید ابوشبک برای این پست. این در حالی است که در قانون اساسی فلسطین آمده است که وزیر کشور فرمانده و رئیس سرویس‌های امنیتی است.

۲- انتخاب محمد دحلان - یکی از عاملان هرج و مرج امنیتی در نوارغزه - به عنوان مشاور امنیت ملی. این امر نیز کاملاً با مفاد قانون اساسی مغایر است، زیرا براساس قانون اساسی داشتن شغل دولتی و نمایندگی در شورای قانونگذاری به طور همزمان ممکن نیست، اما دحلان همچنان در دو پست خود باقی ماند و از شورای قانونگذاری استعفا نداد. از سوی دیگر هانی القواسمی، وزیر کشور دریافت که دست و پایش در این وزارتخانه کاملاً بسته است، زیرا وی هیچ اقدامی را بدون موافقت رشید ابوشبک که از جانب عباس به عنوان مدیر امنیت داخلی وضع شده بود، نمی‌توانست انجام دهد. علاوه بر این وزیر کشور نمی‌توانست از صلاحیت‌های کامل خود بهره ببرد، در حالیکه سرویس‌های امنیتی بدون اجازه وی سلاح وارد می‌کنند. تمام این مسائل وزیر کشور را به استعفا وا داشت.

- زمانیکه محمود عباس و اسماعیل هنیه در مه ۲۰۰۷ نسبت به کاهش فشارهای رهبران امنیتی فتح علیه وزیر کشور به توافق رسیدند، محمود عباس وعده داد تا بار دیگر درباره وضعیت ابوشبک و اختیارات وی تجدیدنظر کند. علاوه بر این عباس وعده داد تا علاء حسنی، رئیس پلیس را برکنار کند و کمال الشیخ،

استاندار نابلس برای این پست انتخاب شود، ولی ابومازن در عمل به این وعده‌ها کوتاهی کرد و عملاً اتفاقی نیفتاد.

- طی یک دیدار، عباس و هنیه در ۲۰۰۷/۵/۹ درخصوص تشکیل یک فرماندهی مشترک با حضور وزیر کشور و مشارکت نیروهای اجرایی و گارد ریاستی برای اجرای طرح امنیتی القواسمی به توافق رسیدند، ولی پس از اتمام این دیدار، ملت با حضور پلیس و نیروهای امنیت ملی در خیابان‌های غزه بنا به دستور ابوشباک، مدیر امنیت داخلی و بدون اطلاع وزیر کشور و با نخست‌وزیر شگفت زده شدند.

در روز جمعه مورخ ۲۰۰۷/۵/۱۱ ابوشباک اجرای دستور القواسمی، وزیر کشور درباره افسران سرویس‌های امنیتی برای شروع طرح امنیتی که با موافقت همه طرف‌ها بویژه عباس مواجه شد، را نپذیرفت. علاوه بر این ابوشباک از هواداران خود درخواست کرد تا آتش فتنه را بر انگیزند و به سمت خودرو خلیل الحیه یکی از رهبران بارز و برجسته حماس شلیک شد. گفتنی است که یکی از افسران هیئت امنیتی مصر در نوارغزه نیز در این خودرو در کنار الحیه قرار داشت که این اقدام باعث افزایش درگیری و تنش داخلی شد.

این اقدامات نمایانگر این بود که برخی از افراد قصد تضعیف توافقنامه مکه و کنترل امنیت در داخل را دارند زیرا معتقدند که اگر امنیت برقرار شود، آینده آنان به خطر خواهد افتاد.

ج) علل و عوامل اصلی هرج و مرج امنیتی

پس از بررسی موارد هرج و مرج امنیتی و افزایش آن طی دوران اخیر در می‌یابیم که این پدیده به عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، ساختاری و... مرتبط می‌گردد، از جمله:

۱- وجود برخی از طرف‌های فلسطینی که از فتنه‌انگیزی سود می‌برند.

برخی از طرف‌های سیاسی نزدیک به محمود عباس و رهبران سرویس‌های امنیتی از نتایج انتخابات به شدت ناراضی بودند، لذا برای مقابله با این حقیقت از روش‌های غیر دموکراتیک از جمله ایجاد هرج و مرج امنیتی و بروز اضطراب و نگرانی در داخل استفاده کردند تا شاید بتوانند، زمان را به عقب بازگردانند. از سوی

دیگر این طرف‌ها در داخل دارای نفوذ گسترده‌ای بودند، علاوه بر این از لحاظ سیاسی و مالی از جانب کشورهای خارجی بسیار زیادی تحت حمایت و پوشش قرار گرفته بودند.

بدیهی است که افسران و رهبران نظامی زیادی که در اینجا نمی‌توانیم نام آنها را قید کنیم، از پست و جایگاه خود استفاده کرده و بر سر قانون شکنی‌ها و تجاوزهای سیاسی، اخلاقی و غیره سرپوش می‌گذاشتند. این در حالی است که پیروزی حماس به عنوان یکی از گروه‌های مقاومت با شعار «تغییر و اصلاح»، باعث بروز نگرانی در برخی از طرف‌هایی شد که این پیروزی را مانعی بزرگ بر سر راه فساد و قانون شکنی‌های خود می‌دانستند، علاوه بر این آنها هر لحظه ممکن بود، به دلیل این اقدامات نابسامان خود مورد بازخواست قرار گیرند.

در اینجا به گزارشی که روزنامه الحقائق چاپ لندن در ۲۷/۵/۲۰۰۶ به نقل از کادرهای فتح، فعال در دفتر این جنبش در کرانه باختری منتشر کرد، اشاره می‌کنیم.

برخی از رهبران جنبش فتح که عضو کمیته مرکزی نیز بودند، تمام راه‌ها را برای تضعیف و فروپاشی حماس بکار گرفتند تا شاید بدین وسیله بتوانند، بار دیگر حکومت را به دست آورند و به قدرت برسند، زیرا آنها از افشای برخی از پرونده‌های فساد و غیره از جانب این جنبش به شدت نگران بودند، لذا ایجاد هرج و مرج امنیتی برای باقی ماندن این افراد در جایگاه و حفظ موقعیت آنها ضروری است و بدین ترتیب دولت از بررسی پرونده‌های فساد و غیره منصرف خواهد شد. همچنین هرج و مرج امنیتی وسیله مناسبی برای تضعیف حماس و دور کردن ملت از آن، می‌باشد و از این طریق بر ملت ثابت می‌شود که حماس از ایجاد امنیت برای مردم و جامعه عاجز است.

در این راستا به موضع‌گیری محمد دحلان که همواره از جانب حماس و بسیاری از فلسطینیان مورد اتهام قرار می‌گیرد و عامل اصلی هرج و مرج و ناامنی داخلی معرفی می‌شود، اشاره می‌کنیم. وی پس از پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری طی نشستی با جمعی از خبرنگاران غزه گفت: «من چهار سال کامل، تمام کارهای حماس را زیر نظر خواهم گرفت و در کمین می‌نشینم و همواره ساز مخالف خواهم زد و هر آنکس که قصد مشارکت در دولت حماس داشته باشد، را لعن می‌کنم». وی همچنین درباره مسئله مشارکت در دولت وحدت ملی با حماس طی مصاحبه‌ای با روزنامه الحیات در ۳۰/۱/۲۰۰۶

گفت: «مشارکت جنبش فتح با حماس در تشکیل دولت ائتلافی ننگ و ذلت است». علاوه بر این دحلان در خصوص ترور اسماعیل هنیه، نخست‌وزیر دولت حماس در ۲۰۰۶/۱۲/۱۴ که بسیاری از طرف‌ها وی را متهم کرده بودند اعلام کرد: «تلاش برای ترور هنیه شرف است نه تهمت».

از سوی دیگر فاروق القدومی رئیس دایره سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ۲۰۰۶/۱۲/۱۶ طی مصاحبه‌ای تلویزیونی با شبکه الجزیره اظهار داشت: «برخی مزدوران در داخل فلسطین وجود دارند که عامل اصلی افزایش درگیری‌ها و تنش‌ها در عرصه فلسطین می‌باشند».

۲- دخالت طرف‌های خارجی برای متشنج کردن اوضاع سیاسی و ایجاد اضطراب و نگرانی امنیتی. طرف‌های خارجی بویژه واشنگتن و تل‌آویو تمام تلاش خود را برای فتنه‌انگیزی داخلی بکار گرفتند. همچنین اطلاعات زیادی درباره حمایت همه‌جانبه واشنگتن و تل‌آویو از محمود عباس و سرویس‌های امنیتی وابسته به آن وجود دارد با این هدف که آنان بتوانند با حماس مقابله کنند. این در حالی است که کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا روز ۲۰۰۶/۱۲/۱۵ از ارائه خدمات مالی گسترده به گارد ریاست تشکیلات خودگردان سخن به میان آورد. وی تأکید کرد، از کنگره آمریکا برای حمایت از محمود عباس میلیون‌ها دلار تقاضا خواهیم کرد و مطمئنم که کنگره برای این اقدام بزرگ از این مبالغ دریغ نخواهد کرد. (۱)

چندی پس از آن شان مک کورمک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد: «کنگره با ارائه ۵۹ میلیون دلار برای کمک به سرویس‌های امنیتی وابسته به محمود عباس موافقت کرده است. (۲) همچنین الیستر کروک (Alastair Crooke) نماینده سابق امنیتی اتحادیه اروپا در قدس گفت: «برامز البوت، معاون مشاور امنیت ملی آمریکا طرحی برای تشدید جنگ و درگیری میان فتح و حماس و فراهم کردن زمینه برای کودتای فتح علیه حماس تهیه کرده است». (۳)

از سوی دیگر رسانه‌های گروهی متعددی اعلام کردند، آمریکا برای برخی اهداف امنیتی قرار است، مبلغ ۸۶ میلیون دلار به محمود عباس اختصاص دهد.

براساس برخی از اسناد و گزارش‌ها که توسط خبرگزاری رویترز در فوریه ۲۰۰۷ منتشر شد، آمده است:

قرار است با کمک‌های ۸۶ میلیون دلاری، ۱۳ هزار و ۵۰۰ نفر آموزش نظامی داده شوند و براساس این طرح آمریکا مبلغ ۳۵ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار برای مبارزه با آشوب‌گری اختصاص داده است. همچنین ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار برای تأمین وسایل ارتباطی برای نیروهای امنیت ملی محمود عباس در نظر گرفته است. علاوه بر این، مبلغ ۱۵ میلیون دلار برای تشکیل یگان جدیدی از نیروهای امنیت ملی که ۶۸۸ نفر در آن عضو هستند، در نظر گرفته شده است. این در حالی است که مبلغ ۲۵ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار برای ارائه وسایل غیرجنگی به گارد ریاستی محمود عباس اختصاص یافته است و پیش‌بینی می‌شود، تعداد اعضای شرکت کننده در آن به ۴ هزار و ۷۰۰ نفر برسد.

براساس این طرح تأکید شد تمام این پروژه‌ها و برنامه‌ها طی همکاری با دفتر رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی و با تأیید دولت اسرائیل صورت می‌گیرد.

در این راستا به طرحی که روزنامه المجد اردن به دستور مقامات اردنی و در ۲۰۰۷/۴/۳۰ از انتشار آن ممنوع شد، اشاره می‌کنیم. در این طرح نقشه‌ای آمریکایی و عربی برای شعله‌ور کردن آتش جنگ داخلی و تضعیف نقش حماس در دولت از یک سو و تقویت و گسترش نفوذ ریاست تشکیلات و جنبش فتح از سوی دیگر، تدارک دیده شده بود. علاوه بر این، در این طرح، ذکر شده بود که پس از این اقدامات برگزاری انتخابات شورای قانونگذاری زود هنگام که پیروزی فتح و تشکیلات در آن، صد درصد است به ملت فلسطین پیشنهاد خواهد شد.

هانی الحسن، عضو کمیته مرکزی جنبش فتح طی نشست کمیته مرکزی در ۲۰۰۷/۵/۲۷ گفت: ترس و نگرانی از اموال و مبالغ کلانی است که پیاپی از جانب آمریکا تحت اختیار برخی از علیت (رهبران فتح) قرار می‌گیرد. وی از واژه علیت که عبری است، استفاده کرد، معنای این واژه رهبران و مقامات بلندپایه می‌باشد. (۴)

۳- گرایش سیاسی سرویس‌های امنیتی:

سرویس‌های امنیتی فلسطین از همان ابتدای تأسیس و حتی در دوره ریاست یاسر عرفات وابستگی قابل ملاحظه‌ای به وی و به جنبش فتح داشتند، لذا عضویت و ملحق شدن به این سرویس‌ها بر این اساس صورت می‌گرفت. هانی الحسن، عضو کمیته مرکزی فتح طی نشست خبری با تلویزیون الجزیره و در برنامه (بلاحدود) در ۲۰۰۷/۱/۱۹ گفت ۹۵ درصد از اعضای نهاد ریاست تشکیلات در گذشته، وابسته و هوادار فتح بودند.

این پدیده باعث بروز شکاف و خلل در سرویس‌ها و مؤسسات امنیتی شد که بعدها به عنوان یک جریان سیاسی مطرح بود و سرانجام منجر به طغیان شماری از افسران نسبت به برخی از قوانین و مصوبات وزارت کشور به رهبری سعید صیام و هانی القواسمی شد که به هیچ حزب سیاسی وابسته نبودند. علاوه بر این در داخل سرویس‌های امنیتی نیز برای بدست آوردن قدرت و نفوذ، درگیری و اختلافات زیادی بوجود آمد و در این رابطه اسامی برخی از رهبران از جمله، محمد دحلان، رئیس امنیت بازدارنده، رشید ابوشباک، مدیر امنیت داخلی، علاء حسنی رئیس پلیس و... به چشم می‌خورد که در مسائل امنیتی و سیاسی از جمله صاحب‌نظران بشمار می‌رفتند، این امر باعث شد، بسیاری از نیروهای خارجی، مانند تل‌آویو، واشنگتن، بروکسل و حتی برخی از کشورهای عربی، مانند مصر و اردن به این مسئله حساس پی ببرند و آن را مورد توجه خود قرار دهند.

۴- استمرار محاصره اقتصادی

محاصره اقتصادی ملت فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری باعث افزایش نگرانی‌ها و تنش در امور امنیت داخلی شد. نیاز و فقر باعث شد، بسیاری از مردم فرومایه به سرقت و حمله مسلحانه و قتل کشیده شوند و بدین وسیله فرهنگ انتقام‌گیری در میان خاندان‌ها و قبایل زنده شد. علاوه بر این برخی از گروه‌های مسلح کوچک برای برخی از خانواده‌ها و یا برخی از طرف‌ها برای دریافت پول فعالیت می‌کردند و در این رابطه می‌توان به گروه ممتاز دغمش (جیش الاسلام) اشاره‌ای داشته باشیم که «آن جانستون» خبرنگار انگلیسی را ربودند و در مقابل آزادی آن میلیون‌ها دلار درخواست کردند. همچنین این محاصره بهانه‌ای بود تا از طریق آن برخی از گروه‌های مسلح بنا به اهداف سیاسی، دولت را متهم کنند، تا جابیکه

شماری از افراد مسلح سرویس‌های امنیتی به بهانه تقاضای حقوق خود هرج و مرج ایجاد کردند و این امر زمینه ساز بوجود آمدن فتنه داخلی شد.

۵- ضعف محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان

ضعف محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان بطور غیرمستقیم منجر به سرکشی و طغیان مسئولان و افسران سرویس‌های امنیتی شد. همانگونه که در پیش ذکر کردیم، محمود عباس و اسماعیل هنیه در مه ۲۰۰۷ نسبت به برکناری علاء حسنی رئیس پلیس و جایگزینی کمال الشیخ استاندار نابلس مذاکراتی انجام دادند، ولی حسنی نسبت به این امر توجهی نداشت و در پست خود باقی ماند. همچنین عباس خود نیز در به قدرت رسیدن برخی افراد نالایق دست داشت. وی رشید ابوشیاب را به عنوان مدیر امنیت داخلی و محمد دحلان را به عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب کرد که این امر مخالفت شدید برخی از اعضای کمیته مرکزی فتح را به دنبال داشت و آنها این سیاست عباس و به قدرت رسیدن دحلان را به شدت محکوم کردند.

۶- تشکیل نیروی اجرایی

به دلیل سرکشی و بی‌توجهی افسران سرویس‌های امنیتی نسبت به دستورات سعید صیام، وزیر سابق کشور و ایجاد هرج و مرج امنیتی از جانب این افراد، سعید صیام ناچار به تشکیل یک نیروی اجرایی از اعضای گروه‌های مختلف مقاومت برای کمک به پلیس در حفظ و برقراری امنیت شد. ولی این اقدام از جانب محمود عباس، رهبران فتح و سرویس‌های امنیتی با مخالفت رو به رو شد و عباس در ۲۰۰۶/۴/۲۰ در بیانیه‌ای این اقدام وزیر کشور را لغو کرد و بدین ترتیب بار دیگر میان ریاست تشکیلات و دولت اختلاف بوجود آمد.

طرف‌های مختلف از این شرایط بوجود آمده به دو گونه استفاده کردند:

۱- افزایش نظامی‌گری و هرج و مرج و تجاوز به مؤسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی تا جاییکه نیروهای اجرایی مواجه شدند و آنها را نسبت به تجاوز علیه سرویس‌های امنیتی متهم کردند و مدعی شدند این نیروها از طریق رسانه‌های گروهی تبلیغات نادرستی را رواج می‌دهند که منجر به ایجاد هرج و مرج در داخل می‌شود.

۲- تحریک ریاست تشکیلات نسبت به این نیروی اجرایی که آن را اقدامی ضد رئیس تشکیلات خودگردان می‌دانستند. میزان درگیری به جایی رسید که عزام الاحمد، نماینده نخست‌وزیر و رئیس فراکسیون فتح در شورای قانونگذاری در مه ۲۰۰۷ دستور انحلال نیروی اجرایی را به بهانه عدم تبعیت از دستورات محمود عباس را صادر نمود. در همین زمان ۵ تن از اعضای نیروی اجرایی بدست نیروهای ۱۷، وابسته به ریاست تشکیلات اعدام شده و در ۲۰۰۷/۵/۱۸ مقرر نیروهای اجرایی در رفح توسط هوایماهای جنگنده اسرائیلی بمباران شد و ۱۵ تن شهید و بیش از دهها نفر زخمی شدند.

۷- واکنش سست گروههای فلسطینی

با وجود اینکه هرج و مرج امنیتی در جامعه به طور واضح لمس می‌شد و همه به خوبی می‌دانستند که عامل اصلی این قضایا چه کسی و یا چه گروهی است، با این حال گروههای فلسطینی هیچ واکنشی از خود نشان نداد و نقش بیننده را داشتند. این در حالی است که هرج و مرج امنیتی ممکن است، پیامدهای ناگواری داشته باشد.

موضع‌گیری ضعیف گروههای فلسطینی باعث تشویق طرفهایی شد که از این وضعیت سود می‌بردند، آنها از روی جهالت دست به حماقت‌هایی زدند که ضررهای زیادی به سایر طرف‌ها به ویژه ملت فلسطین زد. گروههای فلسطینی باید با شجاعت و جوانمردی بیشتری در مقابل این پدیده ایستادگی می‌کردند. آنها باید هویت اصلی آشوبگران را به ملت خود معرفی می‌کردند و بی‌هیچ شک و تردیدی آنها را مسئول این اقدامات نابسامان در جامعه اعلام می‌کردند.

نتیجه‌گیری

هرج و مرج امنیتی حتی پیش از پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری به چشم می‌خورد، عوامل زیادی در بوجود آمدن این وضعیت دست داشتند، از جمله، مواردی که به بنیان و ریشه ساختاری سرویس‌های امنیتی و ارتباط آنها با گروههای امنیتی و سیاسی مختلفی که از خارج حمایت می‌شوند، بر می‌گردد.

اما افزایش میزان درگیری‌ها و اختلافات پس از پیروزی حماس در شورای قانونگذاری و تشکیل دولت از جانب آن به تلاش برای بوجود آوردن فتنه داخلی مربوط می‌شود. آنها با این کار قصد داشتند وزارت کشور را فلج کرده و وجهه آن را در نظر مردم تخریب کنند، تا بدین‌وسیله، دولت فلسطین نیز توانایی و قدرت خود را از دست بدهد و پس از چندی منحل شود. پس پرونده امنیتی یکی از مسائل بارز و مشخصی است که دولت با آن مواجه است. علاوه بر مسئله امنیتی، مسئله دیگری نیز وجود داشت، بسیاری از وزرای حماس در محاصره سیاسی قرار گرفتند. همچنین دولت بیش از ۱۵ ماه با محاصره اقتصادی شدیدی مواجه بود بدین ترتیب می‌توان گفت که پرونده امنیتی یکی از مهم‌ترین مسائل داخلی و خارجی عرصه فلسطینی بشمار می‌آید و برخی از گروه‌های فلسطینی، عربی، بین‌المللی دست به دست هم داده تا از طریق از میان بردن امنیت، دولت فلسطینی را محو کنند و سرانجام ملت فلسطین که در انتخابات به گروه مورد نظر خود رأی داد را از این نظر و دیدگاه خود منصرف کنند.

ارزیابی تجربه حماس به عنوان یک دولت در کنترل امنیت داخلی بسیار سخت و دشوار است، زیرا برای ارزیابی به معیارهای عملی که به اداره، امکانات مادی، زمان و سیاست مربوط می‌شود، نیازمندیم و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان از این معیارها چشم‌پوشی کرد زیرا:

۱- ملت فلسطین زیر سایه اشغالگری اسرائیل زندگی می‌کند.

۲- وجود دخالت‌های مؤثر و مستقیم مادی و سیاسی از خارج بسیار حائز اهمیت است.

۳ در فلسطین گروه‌های مختلفی وجود دارند و هر گروه برای خود برنامه‌ای در نظر گرفته است که گاه این برنامه‌ها با هم همگون و گاه با هم کاملاً مغایر هستند.

ولی باز این شرایط مانع از ارزیابی سیاسی نقش دولت حماس نمی‌شد. در اینجا می‌خواهیم برخی از ملاحظه‌ها را مدنظر قرار دهیم که به رفتار جنبش و دولت مرتبط می‌شود، البته این مسائل بر امنیت داخلی تأثیر بسیار بد گذاشتند، از جمله:

۱- جنبش حماس و دولت آن از همان آغاز با انعطاف‌پذیری با مسئله پیچیده امنیت داخلی برخورد کرد و این به دلیل کم تجربه بودن این جنبش در امور سیاسی و عدم اطلاع و آگاهی از اسرار و رموز مؤسسات امنیتی بود. این امر باعث بوجود آمدن موانع بزرگ در برابر فعالیت‌های وزیر کشور جدید شد.

۲- وزارت کشور و دولت حماس، در خصوص افشای پرونده‌های فساد و بازخواست مسئولین از جانب قضات و شورای قانونگذاری کوتاهی کردند و این امر زمینه را برای مخالفت با دولت و بوجود آمدن بحران‌ها یکی پس از دیگری فراهم کرد.

۳- حماس با اجبار و اکراه به دام درگیری‌های داخلی افتاد و این چیزی بود که بسیاری از اطراف که در ایجاد هرج و مرج دست داشتند، به دنبال آن بودند تا جاییکه حماس و دولت آن به عنوان یک معضل بشمار می‌رفتند.

۴- پس از توافقنامه قاهره از مارس ۲۰۰۵ تا ژوئن ۲۰۰۷ حماس از انجام عملیات نظامی علیه رژیم اشغالگر صرف‌نظر کرد. این در حالی است که در این زمان حماس مشغول درگیری‌های داخلی بود و بدین وسیله حماس و موضع‌گیری آن زیر سؤال رفت و این مسئله در کنترل امنیت نقش بسزایی داشت و به این دلیل بود که اسرائیل در مقابل موشک‌های فلسطینی که به شهرک‌ها پرتاب می‌شد، واکنشی نداشت، تا همچنان درگیری‌های داخلی تداوم یابد و فلسطینی‌ها علیه دشمن خارجی با یکدیگر متحد نشوند. زیرا گویی جنبش تداوم و تشدید درگیری‌های داخلی فلسطین را از اولویت‌ها می‌دانست.

امروز ملت فلسطین نسبت به آینده نزدیک خود بسیار نگران است. در حال حاضر بسیاری از طرف‌های عربی و حتی فلسطینی، بویژه کشور مصر تمام تلاش خود را برای ایجاد اتحاد و همبستگی میان دو جنبش فتح و حماس بکار می‌گیرند. آیا این تلاش‌ها ثمر بخش خواهد بود؟ آیا عقل و خرد می‌تواند، بر سلاح و کشتار برتری یابد؟

اما پس از بازبینی رویدادها و وقایع موجود در عرصه فلسطین، کشورهای عربی و غربی به این نتیجه می‌رسیم که مسائل امنیتی فلسطین در آینده وضعیت خوبی نخواهد داشت و بعید نیست که طی چند روز آینده با درگیری‌ها و کشتارهای خونین جدیدی مواجه شویم، زیرا بسیاری از طرف‌های فلسطینی بویژه طرفداران و هواداران جنبش فتح همچنان تلاش خود را برای فروپاشی دولت فلسطین و محو جنبش حماس بکار می‌گیرند. علاوه بر این، طرف‌های مذکور از لحاظ مادی، سیاسی و نظامی توسط بسیاری از کشورهای عربی و غربی حمایت می‌شوند، آنها همواره بر ادامه محاصره سیاسی و اقتصادی برای سرکوب کردن تجربه سیاسی اسلامی در فلسطین تأکید دارند.

در پایان می‌توان گفت، پیروزی در انتخابات شورای قانونگذاری گناه حماس نیست، همچنین حماس از زمانیکه بر سر کار آمد با کوله باری از اوضاع نابسامان امنیتی و سیاسی مواجه شد. تنها گناه حماس این بود که به یک دولت رسمی و قانونی در عرصه فلسطینی تبدیل شد، زیرا مقاومت و قدرت در زیر سایه اشغال معنایی ندارد و به بازبینی و بازنگری نیازمند است.

پی‌نوشت‌ها

۱- این موضع‌گیری درست همزمان با شدت گرفتن درگیری میان فتح و حماس و پیش از توافق‌نامه مکه صورت گرفت.

۲- جریده القدس العربی، لندن، ۲۰۰۷/۴/۱۲

۳- جریده السبیل، الاردن، ۲۰۰۷/۱/۳۰، نقلاً عن قناة الجزيرة الفضائیه.

۴- موقع اخبارنا الادلکترونی؛ و جرید الحقائق، لندن، ۲۰۰۷/۵/۲۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی